

## معرفی روش‌های مبتنی بر خطابه باستان در نقد رتوریک کتاب مقدس و بررسی چالش‌های به کارگیری آنها در مطالعات نامه به عبرانیان

محمد احمدی<sup>۱</sup>

دکتر تقی پورنامداریان<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۱۲

### چکیده

نقد رتوریک در چند دهه اخیر به عنوان روشی برای ارزیابی نامه‌های کتاب مقدس شناخته شده است و منتقدان بسیاری از این رویکرد انتقادی برای مطالعه نامه‌های مسیحی بهره گرفته‌اند. به غیر از ساختار ارتباطی نامه‌ها - که طبعاً برای تحلیل رتوریک مناسب است - علت دیگر کاربست نقد رتوریک برای بررسی نامه‌ها آن است که به نظر می‌رسد نامه‌های مسیحی در شیوه نگارش تحت تأثیر قوانین خطابه باستان بوده‌اند. امروزه برخی از محققان باور دارند که اصول نامه‌نگاری در دوران باستان تحت تأثیر تعلیمات معلمان خطابه به شیوه خاصی تنظیم شده است و این امر شباهت‌هایی را میان خطابه‌ها و نامه‌ها در دوران باستان به وجود آورده است. این نظر اگرچه به طور کامل در محافل آکادمیک پذیرفته نیست، اما گروهی از منتقدان را بر آن داشته است تا بر اساس اصول خطابه باستان به نقد رتوریک نامه‌های کتاب مقدس اهتمام کنند. در این مقاله ضمن معرفی مهم‌ترین روش‌هایی که بر اساس اصول خطابه باستان در نقد رتوریک کتاب مقدس پدید آمده است، چالش‌های موجود در به کارگیری این روش‌ها را در مطالعات نقد رتوریک نامه به عبرانیان ارزیابی می‌کنیم.

**واژگان کلیدی:** نقد رتوریک، رتوریک، خطابه، کتاب مقدس، نامه‌نگاری، نامه به عبرانیان

## ۱- مقدمه

جی. ان. ورستر<sup>۱</sup> در نگاه تاریخی‌ای که به مطالعات نقد رتوریک کتاب مقدس داشته‌است، دو رویکرد متفاوت را در این مطالعات تشخیص می‌دهد و بر این اساس رویکردهای نقد رتوریک کتاب مقدس را به دو دوره پیش از ۱۹۷۵ و پس از ۱۹۷۵ تقسیم می‌کند (1991:22). رویکردی که قبل از ۱۹۷۵ در میان منتقدان این حوزه رایج بود، صرفاً تحلیل رتوریک کتاب مقدس بر پایه سبک‌شناسی بوده‌است و منتقدان بیشتر ارزیابی و طبقه‌بندی صناعات بلاغی را در دست بررسی داشته‌اند، برای مثال کنت کانتز<sup>۲</sup> در مقاله‌ای با عنوان «سه‌م نقد رتوریک در فهمیدن کتاب اشعیا»<sup>۳</sup>، این شیوه را اختیار می‌کند و تفسیر دقیقی درباره ویژگی‌های سبکی بخش ۵۱ اشعار کتاب اشعیا در عهد عتیق ارائه می‌دهد. او در این مقاله تنها صناعات ادبی و آرایه‌های بلاغی هر مصراع را ذکر می‌کند و کمتر درباره نحوه قرار گرفتن این صناعات در کنار یکدیگر، نحوه تأثیر آنها بر مخاطب و چگونگی کمک آنها به فهم متن سخن می‌گوید (Kuntz, 1982: 140-171). در نهایت می‌توان گفت که ارزیابی‌های او مجموعه‌ای از تحلیل‌های سبک‌شناختی است بدون آنکه به رابطه ساختارهای نحوی مصراع‌ها یا رابطه هر مصراع با مصراع بعدی توجه کند، کانتز تنها فهرستی از صناعات را بی‌توجه به نیت گوینده از به‌کارگیری آنها ذکر می‌کند. او در تحلیل رتوریک خود به اهداف متن توجه چندانی ندارد و تنها ویژگی‌های سبکی را فارغ از کارکرد آنها مورد بررسی قرار می‌دهد. اما از ۱۹۷۵ به بعد منتقدان بیشتر بر پایه اصول خطابه باستان به نقد نامه‌های کتاب مقدس اهتمام کردند و روش‌هایی بر پایه موازین خطابه باستان پدید آوردند که از آن جمله می‌توان به روش جرج کندی<sup>۴</sup> و روش لاری تورن<sup>۵</sup> اشاره کرد. گروهی از محققان روش‌هایی را که بر پایه خطابه باستان پدید آمده‌است، روش‌هایی ناکارآمد برای بررسی نامه‌ها می‌دانند، زیرا این شیوه‌ها اصولی از پیش مشخص شده را به منتقد تحمیل می‌کند و راه را بر خلاقیت او می‌بندد. کرفت<sup>۶</sup> در این باره می‌نویسد:

- 
1. J.N. Vorster
  2. Kenneth Kuntz
  3. *The Contribution of Rhetorical Criticism to Understanding Isaiah*
  4. Gorge Kennedy
  5. Lauri Thuren
  6. Croft

«محقق نظریه خطابه را اختیار می‌کند، سپس براساس آن متن را بررسی می‌کند و برای مثال نتیجه می‌گیرد که سخنان گوینده ویژگی‌هایی دارد که کاملاً با ارکان خطابه منطبق است. این رویکرد در نقد رتوریک نام‌ها بر پایه این فرض به وجود می‌آید که نامه‌نگاران در دوران کلاسیک از اصول خطابه پیروی کرده‌اند، به همین دلیل منتقد رتوریک باید به این اصول پای‌بند باشد» (1965: 406).

در این روش منتقد طبعاً فردی خلاق نیست و به همین دلیل نمی‌تواند چیزی به نظریه رتوریک بیفزاید، به همین دلیل کروفوت می‌نویسد: «ما نقد رتوریک را در مطالعات کتاب مقدس به یک خیابان بن‌بست بدل ساخته‌ایم» (ibid: 406). ویلهلم وولنر<sup>۱</sup> نیز با عقاید کروفوت هم‌داستان است و باور دارد که نقد رتوریک کتاب مقدس در طول تاریخ «محدود، تحریف و فلج» شده‌است، در حالی که مفسران کتاب مقدس از آن بی‌خبر مانده‌اند (1987: 451). در واقع معیارهای نظریه خطابه برای منتقد معیارهایی ثابت و جاودان هستند؛ به همین دلیل منتقد با اساس قرار دادن این نظریه کار نقد را آغاز می‌کند، اما از نظر کروفوت منتقد با این کار هیچ خلاقیتی در فرایند نقد ندارد، زیرا بر مبنای اصولی از پیش مشخص شده به کار نقد اهتمام می‌کند. به اعتقاد کروفوت نظریه‌پردازی خلاقانه بخشی از کار منتقد است (ibid: 406). انتقادهایی از این دست در نهایت باعث شد که تحت تأثیر مطالعات جدید منتقدان برای نقد روش‌های جدیدی پیشنهاد دهند؛ برای مثال ورنن رابینز<sup>۲</sup> روشی بر پایه مطالعات جامعه‌شناختی برای نقد رتوریک کتاب مقدس پیشنهاد کرد و به موازات آن روش‌های دیگری نیز مطرح شدند که احصای تمام آن روش‌ها تحقیقی جداگانه می‌طلبد. آنچه واضح است نقد رتوریک کتاب مقدس محدود به یک شیوه نیست و محققان هر کدام در هر دوره تاریخی متناسب با برداشت‌های خود روش‌های متفاوتی برای تحلیل رتوریک پیشنهاد کرده‌اند. می‌توان گفت که در تاریخچه نقد رتوریک کتاب مقدس گرایش‌های سبک‌شناختی منتقدان رفته‌رفته جای خود را به روش‌هایی می‌دهد که بر پایه خطابه باستان استوار است و سپس روش‌های دیگری مطرح می‌شوند که مطالعات نقد رتوریک کتاب مقدس را وارد مرحله جدیدی می‌کند. در این مقاله ما صرفاً روش‌هایی را بررسی خواهیم کرد که بر پایه اصول خطابه در مطالعات نقد رتوریک کتاب مقدس پدید آمده‌اند و سپس چالش‌های به‌کارگیری این روش‌ها را در مطالعات نامه به عبرانیان ارزیابی خواهیم کرد.

1. Wilhelm Wuellner  
2. Vernon Robbins

## ۲- روش‌های مبتنی بر خطابه باستان

برای تحلیل نامه‌های مسیحی منتقدانی چون کندی و تورن روش‌هایی بر پایه قوانین خطابه باستان پیشنهاد می‌کنند. در این روش‌ها منتقدان به هدف نویسنده در برقراری ارتباط اهمیت می‌دهند و معتقدند که متن آینه نیت و غرض نویسنده است (Walker- Jones, 2003: 201). همچنین در این روش‌ها بررسی بافت تاریخی متن (موقعیت رتوریک) اهمیت بسیاری دارد، زیرا وظیفه منتقد آن است که حتی‌الامکان تشخیص دهد که مخاطب اصلی و تاریخی، متن را چگونه می‌فهمد (Kennedy, 1984: 4). پیش از این گفته شد که این روش‌ها بر پایه این فرض در مطالعات نقد رتوریک کتاب مقدس پدید آمدند که اصول نامه‌نگاری در دوران باستان تحت تأثیر نظریه‌های معلمان خطابه بوده‌است. در ادامه به بررسی دیدگاه‌های مختلف محققان در این زمینه می‌پردازیم.

## ۲-۱- رابطه خطابه با اپیستولوگرافی

با انتشار نظریه‌ها و تعلیمات خطیبان یونان و روم، خطابه تا اواخر قرن نوزدهم به یکی از اصلی‌ترین مباحث آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها تبدیل شد (Conley, 1991: 42) و به عنوان یک سرفصل درسی در طول زمان رشد و تکامل پیدا کرد (Vickers, 1988: 24-25). هرچند نحوه آموزش خطابه و محتوای آموزشی آن در طول زمان دستخوش تغییراتی شد، اما خطابه تقریباً از همان آغاز تعلیم آکادمیک آن در روم به آموزش قوانین انشاء تبدیل شد و در نتیجه رتوریک که در اصل هنر سخن گفتن به نحوی مؤثر و اقناعی بود رفته‌رفته به علمی تبدیل شد که در بررسی اصول و قوانین انشاء<sup>۱</sup> یعنی نوشتن به نحوی مؤثر و اقناعی نیز مطمح نظر قرار گرفت و نظام و ساختار منسجمی پیدا کرد و اصول نامه‌نگاری<sup>۲</sup> غربی را تحت تأثیر قرار داد.

اپیستولوگرافی یا فن نامه‌نگاری که از واژه *epistolē* و *graphein* یونانی اخذ شده‌است عموماً به فن نامه‌نگاری در معنای عام آن اطلاق می‌شود، اما این اصطلاح در مفهوم خاص آن منحصرأ به نامه‌های مسیحی موجود در کتاب مقدس و همچنین به اصول نامه‌نگاری در منطقه مدیترانه<sup>۳</sup> و به‌طور کلی به ژانری در ادبیات بیزانس دلالت دارد (Stowers, 1986: 25).

1. Ars Dictaminis  
2. Epistolography  
3. Mediterranean World

باید در نظر داشت که نامه‌ها در دنیای قدیم یکی از مهم‌ترین ابزار ارتباط بودند و برای مقاصد متفاوتی از مقاصد دیوانی و قانونی گرفته تا مقاصد تعلیمی و دینی به کار می‌رفتند. اگرچه نامه‌های به‌جا مانده از قرون وسطی و پیش از آن در ساختار غالباً منعطف‌اند، اما نامه‌نویسان در چهارچوب قوانین انشای حاکم در آن زمان طبعاً معیارهای خاصی را مد نظر داشته‌اند که به نظر می‌رسد تحت تأثیر قوانین خطابه بوده‌است؛ برای مثال نامه‌های دوران کلاسیک اغلب همانند رکن ترتیب در خطابه به سه بخش آغاز<sup>۱</sup>، پیکر<sup>۲</sup> و انجام<sup>۳</sup> تقسیم می‌شوند (ibid: 26). همچنین نامه‌های کلاسیک برای موقعیت‌های متفاوت و روابط اجتماعی مختلف اصطلاحات خاص خود را داشته‌اند که به نوعی ژانر نامه‌ها را مشخص می‌ساخته‌است و از این نظر نامه‌ها با ژانرهای سه‌گانه خطابه باستان مشابه بوده‌اند. این تشابه در قرن بیستم گروهی از منتقدان رتوریک را بر آن داشته‌است تا به ارزیابی نامه‌های مسیحی براساس قوانین خطابه اهتمام کنند.

بی‌تردید تفاوت‌هایی در دوران کلاسیک میان نظریه خطابه و نظریه نامه‌نگاری وجود دارد (v. Cornelius, 2000: 253-274) و این تفاوت‌ها بسیار طبیعی است، زیرا نظریه خطابه و نظریه نامه‌نگاری هرکدام در دوران باستان جداگانه تکامل پیدا کرده‌اند. اگرچه نامه‌نگاری در دوران باستان در مدارس به قلمرو آموزش‌های معلمان خطابه تبدیل شد، اما این فن در اصل جزئی از نظام تئوریک خطابه نبود. جیمز مورفی<sup>۴</sup> در کتاب *خطابه در قرون وسطی*<sup>۵</sup> به این موضوع پرداخته و اعتقاد دارد که فن نامه‌نگاری از دوره نفوذ تأثیر «نظام سنت بندیکت»<sup>۶</sup> و تأسیس «دیر بندیکت»<sup>۷</sup> در ایتالیا از حوالی سال ۵۲۹ بعد از میلاد رسماً رسماً تحت سیطره آموزش‌های فن خطابه قرار گرفته‌است (v. 1974: 202-203). با استناد به یافته‌های مورفی یکی از راهبان دیر بندیکت به نام آلبریک مونت کاسینو<sup>۸</sup> اولین شخصی است که رسماً خطابه و نامه‌نگاری را در یک رساله مدون به نام هنر نامه‌نگاری که در سال ۱۰۸۷ بعد از میلاد تألیف شده‌است، با یکدیگر مرتبط می‌سازد و به نظر می‌رسد آلبریک در

- 
1. Opening
  2. Body
  3. Closing
  4. James Murphy
  5. *Rhetoric in the Middle Ages*
  6. Order of Saint Benedict
  7. Benedictine monastery
  8. Alberic of Monte Cassino

این رساله، میراث‌دار آموزش‌هایی است که در نظام سنت بندیکت رواج داشته‌است (ibid: 208). آلبریک در رساله خود از قوانین و اصول خطابه برای تمرین نامه‌نگاری بهره می‌گیرد و فی‌المثل نامه را درست همانند خطابه (بخش‌های رکن ترتیب) به چهار بخش مقدمه<sup>۱</sup>، روایت<sup>۲</sup>، استدلال<sup>۳</sup> و نتیجه‌گیری<sup>۴</sup> تقسیم می‌کند، اما برای متمایز کردن نامه از خطابه پیش از مقدمه مقدمه تهنیت‌نامه<sup>۵</sup> را قرار می‌دهد و یک بخش دیگر به رکن ترتیب نامه اضافه می‌کند. مورفی با توجه به یافته‌هایش توضیح می‌دهد که نامه‌ها در دوران باستان همانند خطابه‌ها در ایجاد ارتباط اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته‌اند. به همین دلیل نامه‌ها همانند خطابه‌ها در مدارس به عنوان وسیله ارتباط در نظر گرفته می‌شدند، در نتیجه فن نامه‌نگاری بر پایه فن سخنوری به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شده‌است (ibid: 195). به نظر می‌رسد که قوانین خطابه حتی پیش از ۵۲۹ میلادی مبنای نگارش نامه‌ها در اروپا بوده‌است. دیوید ادوارد آیونه<sup>۶</sup> در کتاب عهد جدید در فضای ادبی آن، در این باره می‌نویسد: «با شروع قرون اولیه پیش از میلاد، تأثیر خطابه بر نامه‌نگاری آغاز شد [...] نامه‌ها در آن دوران نه تنها وسیله ارتباط، بلکه ابزار پیچیده اقناع و رسانه بودند» (1987: 59). استنلی استورز نیز در تحقیقی که درباره نامه‌نگاری در یونان و روم انجام داد تشابه‌های بیشتری میان خطابه و فن نامه‌نگاری در دوران باستان عرضه کرد. او مشابهت‌هایی میان بیست‌ویک نوع نامه مختلف که پسودو دمتریوس<sup>۷</sup> در کتابی با نام انواع نامه از آنها یاد می‌کند با ژانرهای سه‌گانه خطابه پیدا کرد و نوشت: «انواع نامه‌هایی وجود دارد که هر کدام به یکی از ژانرها متعلق است» (Stowers, 1986: 51). به غیر از استورز، فرنک هاگز<sup>۸</sup> در کتاب رتوریک نامه‌ها، با بررسی و تحلیل نامه اول دموستنس<sup>۹</sup> به این نتیجه می‌رسد می‌رسد که خطیبان بی‌تردید در نامه‌هایشان از اصول خطابه پیروی می‌کرده‌اند (2000: 240). همان‌طور که گفته شد این تحقیقات نهایتاً باعث می‌شود که محققان و اندیشمندان معاصر و

- 
1. Exordium
  2. Narratio
  3. Argumentatio
  4. Conclusio
  5. Letter -greeting
  6. David Edward Aune
  7. Pseudo-Demetrius
  8. Frank W. Hughes
  9. Demosthenes' Epistle 1

علی‌الخصوص پژوهندگان کتاب مقدس عموماً برای ارزیابی و تفسیر نامه‌های عهد جدید از جمله نامه به عبرانیان<sup>۱</sup> و نامه به غلاطیان<sup>۲</sup> از موازین خطابه باستان پیروی کنند.

از طرف دیگر برخی از محققان و پژوهشگران اساساً به رابطه خطابه و نامه‌نگاری در دوران باستان با دیده تردید می‌نگرند و معتقدند نقد رتوریک رویکرد مناسبی برای بررسی انتقادی نامه‌های کتاب مقدس و دیگر نامه‌ها نیست، زیرا نظریه نامه‌نگاری و نظریه خطابه با هم متفاوت هستند. این دسته از محققان اصرار دارند که بر پایه اصول نظری خطابه باستان نمی‌توان نامه‌های کلاسیک را بررسی کرد. استنلی پورتر<sup>۳</sup> در مقاله «توجیه نظری برای کاربست ارکان خطابه بر ادبیات نامه‌های پولوسی»، مدعی است که تناقض‌ها و تفاوت‌های اساسی‌ای بین خطابه و نامه‌نگاری در دوران باستان وجود دارد و می‌نویسد:

«ما تنها می‌توانیم بر مبنای درس نامه‌های خطابه باستان یک چیز استنباط کنیم: در این رساله‌ها تنها به سبک نامه‌ها در اشکال مختلفی پرداخته شده‌است آن هم تقریباً همواره به گونه‌ای که نامه‌ها در مقابل سخنوری قرار می‌گیرد. بنابراین توجیه نظری اندکی در درس نامه‌های باستان برای کاربست مقوله‌های قراردادی ژانرها و ساختار خطابه در ارزیابی و بررسی نامه‌های پولوسی وجود دارد» (1993: 115-116).

بدین ترتیب به عقیده پورتر نظریه خطابه و نظریه نامه‌نگاری متفاوت هستند و به همین دلیل نقد رتوریک - که بر پایه نظریه خطابه شکل گرفته‌است - رویکرد انتقادی مناسبی برای ارزیابی نامه‌ها نیست.

اختلاف نظرها درباره تأثیر قوانین خطابه در هنر نامه‌نگاری باستان باعث شده‌است که در تحقیقات درباره نامه‌های کتاب مقدس (عهد جدید)، به‌طور کلی سه رویکرد عام در میان پژوهشگران به وجود آید: ۱- محققانی که هرگونه تأثیر خطابه بر نامه‌نگاری را نفی می‌کنند و نامه‌ها را تنها از منظر اصول نامه‌نگاری تفسیر می‌کنند (White, 1972: 22)؛ ۲- گروه دیگری از محققان همچون برگر، کرافچیک، دیان اندرسون، فردریک واتسون، آلن هاوسر و جانسن که در تفسیرهای خود نقش بیشتری برای نظریه خطابه قائل شده‌اند و نامه‌نگاری را جزء نظریه خطابه در دوران باستان قلمداد کرده‌اند؛ ۳- گروه سوم از جمله وولنر<sup>۴</sup> و استورز که نظریه نامه‌نگاری و نظریه خطابه را توأمان در تفسیرهای خود معتبر دانسته‌اند

- 
1. *Letter to the Hebrews*
  2. *Epistle to the Galatians*
  3. Stanley Porter
  4. Wuellner

(Cornelius, 2000: 255). از این سه رویکرد کلی می‌توان دانست که رابطه خطابه و نامه‌نگاری یک مشکل اساسی در تعیین روش‌شناسی برای تفسیر نامه‌های مسیحی (عهد جدید) بوده‌است. در ادامه این مقاله به معرفی روش پیشنهادی کندی و روش تورن می‌پردازیم. این دو روش از مهم‌ترین شیوه‌هایی هستند که در مطالعات نقد رتوریک کتاب مقدس بر پایه اصول خطابه باستان ارائه شده‌اند.

## ۲-۲- روش جرج کندی

جرج کندی محقق برجسته خطابه باستان که کتاب‌های بسیار ارزشمندی در این زمینه تأیید کرده‌است، از جمله پژوهندگانی است که برای نقد رتوریک کتاب مقدس بر پایه قوانین خطابه، روش تحلیل مشخصی ارائه می‌دهد. کندی در کتاب تفسیر عهد جدید بر مبنای نقد رتوریک، روش جدیدی معرفی می‌کند که منتقدانی چون بنجامین فیوره<sup>۱</sup>، واتسون و هاوسر، ماجرسیک روث<sup>۲</sup> و ویلهلم وولنر از آن در آثار خود بهره می‌گیرند. در حقیقت روش کندی با استقبال بی‌نظیر محققان کتاب مقدس مواجه شد و این روش پس از انتشار کتاب در سال ۱۹۸۴ در مطالعات کتاب مقدس جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. انتشار این کتاب در واقع پاسخ به نیازی بود که دهه‌ها منتقدان رتوریک کتاب مقدس به دنبال رفع آن بودند، یعنی طرح یک روش منسجم برای ارزیابی کتاب مقدس براساس ارکان خطابه باستان.

کندی معتقد است: «اگر می‌خواهیم نقد رتوریک مفید باشد باید فراتر از سبک را در بر بگیرد [...] هدف نهایی تحلیل رتوریک، به طور خلاصه کشف قصد و نیت نویسنده است و اینکه چگونه مقصود او از طریق متن به مخاطبان منتقل می‌شود» (12: 1984). او برای تحقق این هدف روش خود را پی‌ریزی می‌کند. کندی براساس اصول خطابه باستان پنج مرحله برای نقد رتوریک تعریف می‌کند. مرحله اول، مرحله تعیین واحد رتوریک<sup>۳</sup> است. واحد رتوریک مقدار متنی است که باید خوانده شود، این متن می‌تواند تمام کتاب مقدس یا بخشی از این کتاب باشد. کندی می‌نویسد:

---

1. Benjamin Fiore  
2. Majercik Ruth  
3. Rhetorical Unit



اینکه واحد رتوریک اندازه مشخصی داشته باشد -آغاز، میانه، انجام- در نقد رتوریک اهمیت بسیاری دارد. واحد رتوریک باید آغاز و انجام مشخصی داشته باشد که با کنش‌ها یا استدلال‌هایی با هم ارتباط پیدا می‌کنند. در کتاب مقدس پنج یا شش آیه احتمالاً کمترین واحد رتوریک‌ای می‌توانند باشد که در نقد رتوریک به عنوان واحدی مجزا شناخته شوند، اما بیشتر واحدهای رتوریک بیش از پنج یا شش آیه هستند و گاه قسمت اعظم یک بخش یا بخش‌های بسیاری را فرامی‌گیرند (ibid: 34).

مرحله دوم در روش کندی، شناخت موقعیت رتوریک<sup>۱</sup> است. موقعیت رتوریک شامل بررسی علت پدید آمدن متن و دلایل نگارش آن، حالت و مشرب مخاطبان، عقاید نویسنده و ارزش‌های اجتماعی آن است. بررسی موقعیت رتوریک مهم‌ترین گام برای فهمیدن ارتباط محسوب می‌شود. شناخت موقعیت رتوریک، شناخت توضیحات متفاوتی است که از یک رویداد وجود دارد یا ارزیابی پاسخ‌های مختلفی است که به یک پرسش می‌توان داد. ناقد در این مرحله باید مخاطبان را شناسایی کند، انتظارات آنها را بشناسد و شیوه‌های اقناع نویسنده را متناسب با انتظارات مخاطب مورد بررسی قرار دهد، در این مرحله منتقد در حقیقت ژانر اثر را تعیین می‌کند. کندی در این زمینه می‌نویسد: «ناقد باید بپرسد که این مخاطبان چه کسانی هستند، آنها در آن موقعیت چه انتظاراتی دارند و نویسنده یا گوینده چگونه این انتظارات را برآورده می‌سازد» (1984: 35).

ارسطو در فصل سوم کتاب اول خطابه بر اساس مخاطبان، ژانر خطابه‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند که عبارتند از: خطابه‌های مشاجراتی<sup>۲</sup>، خطابه‌های مشاوراتی<sup>۳</sup> و خطابه‌های منافراتی<sup>۴</sup>. خطابه‌های مشاجراتی، خطابه‌هایی هستند که در دادگاه‌ها ایراد می‌شوند و هدف خطیب در آن اجرای عدالت است و مخاطبان کسانی هستند که باید در مورد واقعه‌ای در گذشته قضاوت کنند. از طرف دیگر خطابه‌های مشاوراتی، خطابه‌هایی هستند که در مجامع عمومی ایراد می‌شوند و هدف خطیب در آن تشویق یا تحذیر مخاطبان برای اتخاذ تصمیمی در آینده است و مخاطبان کسانی هستند که باید در مورد واقعه‌ای در آینده تصمیم بگیرند. در نهایت خطابه‌های منافراتی، خطابه‌هایی هستند که در جشن‌ها و آیین‌های عمومی ایراد

- 
1. Rhetorical Situation
  2. Forensic
  3. Deliberative
  4. Epideictic

می‌شوند و هدف خطیب در آن مدح یا ذم شخص یا چیزی است و مخاطبان تنها ناظر یا منتقد مهارت‌های خطیب در ایراد خطابه هستند (1.3.1: 2007). جدول زیر به طور خلاصه مباحث ژانرها را در کتاب خطابه نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱

ژانرها	مشاجرات	مشاورات	منافرات
موضوع	عدالت	نصیحت کردن یا منصرف کردن	مدح و ذم
موقعیت	دادگاه	تجمعات عمومی	جشن‌های عمومی
هدف	اقناع	اقناع	سرگرم کردن یا ترغیب کردن
زمان	گذشته	آینده	حال <sup>(۱)</sup>
تأکید ارتباط	خطابه	مخاطب	گوینده
نتیجه	مجازات یا پاداش عمل گذشته	هدایت اقدام‌های آتی	تأکید بر ارزش‌های اجتماعی مقبول

بی‌تردید مهم‌ترین مرحله در روش‌کندی ارزیابی موقعیت رتوریک یعنی تعیین ژانر واحد رتوریک است، زیرا موقعیت رتوریک یعنی ژانر اثر -ژانرهای سه‌گانه منافرات، مشاورات و مشاجرات- نوع ارتباط را توضیح می‌دهد. به عقیده‌کندی مهم‌ترین وجه تمایز نقد رتوریک و نقد ادبی مسأله موقعیت رتوریک است. در نقد رتوریک «منتقد متن را از منظر نیت نویسنده ارزیابی می‌کند و آن را همان‌طور که مخاطب در آن برهه تاریخی درمی‌یافته مورد بررسی قرار می‌دهد» (4-5: 1984)؛ در حالی که در نقد ادبی منتقد راه‌های درک و تفسیر متن را از منظر خواننده معاصر بررسی می‌کند. منتقد رتوریک می‌کوشد که متن را به گونه‌ای بخواند و دریابد که نخستین مخاطبان متن آن را می‌خوانده‌اند و درمی‌یافته‌اند (cf. ibid: 4-5)، بنابراین شناخت موقعیت رتوریک در تحلیل‌های او اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

مرحله سوم ارزیابی مشکل رتوریک<sup>۱</sup> است. مقصود از مشکل رتوریک بررسی سختی‌ها و مشکل‌هایی است که نویسنده یا گوینده در راه اقناع مخاطبان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند. مخاطبان ممکن است به خاطر دیدگاهی که دارند به راحتی سخنان گوینده را نپذیرند و یا سخنان گوینده مطابق با انتظارات آنها نباشد و یا حتی مستعد شنیدن آن نباشند، حتی ممکن است مخاطبان، گوینده را در جایگاهی ندانند که آنها را اقناع کند.

1. Rhetorical Problem

همچنین ممکن است درک سخنان گوینده برای مخاطبان دشوار باشد و آنها نتوانند سیر اندیشه گوینده را دنبال کنند. این عوامل از جمله دلایلی هستند که ممکن است ارتباط اقناعی را با مشکل رتوریکي مواجه کند. به‌طور کلی لفظ اقناع خود گویای آن است که امکان دارد به طور بالقوه مقاومت یا مخالفتی از طرف مخاطبان وجود داشته باشد، اما اغلب اثبات اینکه این مشکل از کجا نشأت می‌گیرد بسیار دشوار است و به همین دلیل منتقد رتوریکي باید با بافت تاریخی و اجتماعی متن آشنایی داشته باشد تا مشکلات رتوریکي را شناسایی کند.

مرحله چهارم در روش کندی بررسی مواضع ابداع استدلال، ویژگی‌های بلاغی و ارزیابی ترتیب بخش‌های مختلف متن است. کندی تمام این موارد را ذیل عنوان ارزیابی ترتیب مواد خام در متن<sup>۱</sup> جمع می‌کند. در این مرحله نظم و ترتیب مواد خام در متن مورد توجه منتقد قرار می‌گیرد و تأثیر بخش‌های مختلف متن بر مخاطب و همچنین تأثیر متن، به عنوان یک کل ارزیابی می‌شود. برای این منظور منتقد باید متن را جمله به جمله بررسی کند و با توجه به بافت، کارکرد برهان‌ها و استدلال‌ها و کارکرد صنایع و ویژگی‌های ادبی را استخراج کند. این مرحله در حقیقت شامل ارکان ابداع، ترتیب و سبک در نظریه خطابه می‌شود. برخی از محققان مرحله چهارم در روش کندی را شامل دو مرحله مجزا می‌دانند که در یکی ترتیب مواد خام بررسی می‌شود و در دیگری ابداع معانی و براهین و ویژگی‌های بلاغی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (v. Watson & Huser, 1994: 110-111).

مرحله پنجم، مرحله گردآوری و تلفیق تمام یافته‌ها و برآورد نهایی قدرت اقناعی واحد رتوریکي است. در این مرحله عملاً تمام یافته‌های مراحل دیگر در یک مانیفست منسجم ارائه می‌شود تا این نتایج به صورت رشته اطلاعات بی‌ارتباطی در نظر نیایند. کندی این مرحله را مرور مراحل قبلی می‌خواند و می‌نویسد:

«در پایان فرایند تحلیل ارزشمند است که واحد رتوریکي به عنوان یک کل مجدداً بررسی شود، همچنین ارزیابی موفقیت واحد رتوریکي در برآورده ساختن ضرورت‌های ارتباطی و مرور مجدد پیامدها و نتایج واحد رتوریکي برای گوینده یا مخاطب اهمیت دارد. آیا تحلیل ما با تأثیر کلی واحد رتوریکي سازگار است؟ آیا توجه به درختان جنگل، جنگل را از نظر ما پنهان داشته‌است؟

نوشته‌های رتوریک و ادبی، نوشته‌هایی خلاق هستند و کل اثر معمولاً شکوهمندتر از جزئی از آن است [به همین دلیل در پایان لازم است اثر به عنوان یک کل بررسی شود]» (38: 1984). مرحله آخر در روش کندی، تنها مرحله‌ای است که در تمام فرایند نقد باقی می‌ماند؛ به عبارت بهتر تمام یافته‌های مراحل قبل در نهایت در مرحله آخر جمع می‌شوند و چنین به نظر می‌رسد که کل فرایند نقد تنها یک مرحله بوده‌است. با توجه با آنچه گفته شد مراحل کندی برای نقد رتوریک پیشنهاد می‌دهد به طور خلاصه عبارتند از:

۱- تعیین واحد رتوریک

۲- شناخت موقعیت رتوریک

۳- ارزیابی مشکل رتوریک (اگر چنانچه مشکلی باشد)

۴- ارزیابی ترتیب مواد خام در متن (بررسی ابداع براهین و ویژگی‌های بلاغی به همراه نظم و ترتیب مواد خام)

۵- بازبینی موفقیت متن در اقناع مخاطب

پیروان کندی این مراحل پنجگانه را اغلب بسته به ذوق خود تغییر داده‌اند، برای مثال واتسون و هاوسر در کتاب *نقد رتوریک کتاب مقدس به‌جای مرحله سوم که در روش کندی توصیف مشکل رتوریک است، تعیین ژانر متن را جایگزین کرده‌اند و برای مرحله چهارم عنوان بررسی ابداع، ترتیب و سبک را برگزیده‌اند* (110-111: 1994: v)؛ یا ویلهلم وولتر مرحله مشکل رتوریک را با مرحله موقعیت رتوریک ادغام کرده و مرحله سوم و چهارم را به بررسی نظم و ترتیب مواد خام و ارزیابی ابداع معانی و براهین و صنایع بلاغی اختصاص می‌دهد (456-457: 1987: v). به هر حال با وجود این، روش کندی در مطالعات نقد رتوریک کتاب مقدس با اقبال بی‌نظیری روبه‌رو شده‌است. کندی از این لحاظ که روش جدیدی بر پایه نظریه خطابه معرفی می‌کند یکی از مهم‌ترین چهره‌های مطالعات رتوریک کتاب مقدس به شمار می‌آید.

## ۲-۳- روش لاری تورن

روش پیشنهادی تورن تنها تفاوت‌هایی جزئی با روش کندی دارد. او درباره برداشتی که از نقد رتوریک دارد، می‌نویسد:

«نقد رتوریک اطلاعات تاریخی را جدی می‌گیرد، اما به‌جای آنکه صرفاً توصیفی باشد سعی می‌کند تا به هدف متن نفوذ کند...» [هدف اصلی آن صرفاً شناسایی خوانندگان یا نویسنده

اصلی و تاریخی نیست...] بلکه هدفش آن است که بر متن به عنوان عاملی ارتباطی تمرکز کند. نقد رتوریک برای بحث و چون و چرا به بافت متن علاقه‌مند است» (55: 1990).  
 تورن در کتاب *استراتژی رتوریک نامه اول پتروس*، دو مرحله کلی برای نقد رتوریک تعیین می‌کند. مرحله اول، مرحله شناسایی اهداف و مقاصد گوینده؛ و مرحله دوم شامل ارزیابی راه‌های رسیدن گوینده به آن اهداف و مقاصد است (ibid: 68). به عقیده تورن برای شناسایی اهداف متن، منتقد باید تدابیر کلی متن را شناسایی کند. تدابیر کلی متن به زعم او شیوه‌های اقناع تعبیه‌شده در متن هستند، سازوکارهایی چون ابداع استدلال، نظم و ترتیب کلمات و صنایع سبک‌ساز که به تدابیر کلی متن یاری می‌دهند. تورن برای مرحله دوم که ارزیابی راه‌های رسیدن به مقاصد متن است، روش کندی را با جرح و تعدیل برخی از قسمت‌ها پیشنهاد می‌دهد. او مراحل پنج‌گانه کندی را به دقت بررسی می‌کند و به تجزیه و تحلیل هر مرحله می‌پردازد. تورن تقریباً درباره هر یک از مراحل پیشنهادی کندی نکاتی مطرح می‌کند که به بررسی آن می‌پردازیم:

۱- تعیین واحد رتوریک، توضیحات تورن درباره آن مشابه توضیحات کندی است.

۲- شناخت موقعیت رتوریک؛ به زعم تورن یکی از نقص‌های روش کندی ترتیب مراحل پنج‌گانه است. او معتقد است که در تحلیل رتوریک اغلب زمان شناسایی موقعیت رتوریک ممکن است که موانع و مشکلات ارتباط شناخته شوند، به همین دلیل تورن بررسی مشکل رتوریک را مقدم بر تشخیص موقعیت رتوریک می‌داند، بنابراین بررسی مشکل رتوریک در روش تورن در مرحله دوم انجام می‌شود. تورن درباره ضرورت شناخت موقعیت رتوریک می‌نویسد:

«قدم اول در نقد رتوریک آن است که منتقد نخست سعی کند موقعیتی را که در ذهن نویسنده یا گوینده است تجسم کند. این موقعیت شامل دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و نیازهای مخاطبان از نظر نویسنده یا گوینده است و همین موقعیت است که باعث می‌شود که گوینده سخن بگوید یا نویسنده بنویسد. هدف اصلی منتقد رتوریک آن است که دریابد نویسنده یا گوینده در مواجهه با این دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و نیازها چه در سر دارد و چه هدفی را دنبال می‌کند. تمام این سؤال‌ها با بررسی موقعیت رتوریک پاسخ داده می‌شود...] موقعیت رتوریک تصویر کردن مخاطبانی است که نویسنده از پیش برای خود فرض کرده‌است...] نخستین گام در تشخیص موقعیت رتوریک آن است که ببینیم متن را در چه ژانر رتوریک می‌توان طبقه‌بندی کرد، ژانر

مشاجرات، مشاورات و یا منافرات [...] با این کار در حقیقت سعی می‌کنیم واکنش مخاطبان را بر اساس اهداف متن تعیین کنیم» (ibid: 70-72).

۳- بررسی نظم و ترتیب مواد خام: در روش تورن مرحله سوم به ارزیابی نظم و ترتیب مواد خام اختصاص دارد، در حالی که در روش کندی مرحله سوم، مرحله ارزیابی مشکل رتوریک است. تورن همانند کندی معتقد است که فرایند بررسی نظم و ترتیب مواد خام شامل تمییز بخش‌های مختلف متن و گمانه‌زنی درباره تأثیر آنها است. او همچنین معتقد است که منتقد باید تغییر موقعیت رتوریک را در بخش‌های مختلف متن نشان دهد، به عبارت بهتر منتقد باید ببیند نویسنده در هر بخش از متن از چه ژانری استفاده کرده و چه مخاطبانی را طرف خطاب قرار داده‌است. تورن باور دارد بخش‌های مختلف متن تأثیرهای متفاوتی بر مخاطب دارند. براساس نظر تورن یک متن ممکن است متناسب با بخش‌های مختلف آن، مخاطبان متفاوتی داشته باشد (v. ibid: 75-76).

۴- بررسی سبک و صنایع بلاغی: در روش تورن مرحله چهارم به بررسی صنایع و آرایه‌های بلاغی اختصاص دارد که با روش کندی متفاوت است. تورن درباره مرحله چهارم می‌نویسد:

«مطالعه کارکرد صنایع سبک‌ساز در تعیین موقعیت رتوریک مؤثر است و اینکه این صنایع چه رفتارهایی در مخاطبان برمی‌انگیزند و چگونه به تأثیری که نویسنده به دنبال آن است کمک می‌کنند. هدف بررسی صنایع بلاغی آن است که نشان داده شود این صنایع در موقعیت رتوریک خود چگونه عمل می‌کنند» (ibid: 77).

۵- ارزیابی هم‌زمان تمام یافته‌ها: در این مرحله نیز تورن سخنان کندی را تکرار می‌کند (ibid: 78).

### ۳- نامه به عبرانیان

نامه به عبرانیان، بخشی از عهد جدید است که در شمار بسیاری از مطالعات نقد رتوریک کتاب مقدس مورد توجه منتقدان قرار گرفته‌است. برخی از این مطالعات تنها بخش‌های بخصوصی از نامه به عبرانیان را بررسی کرده‌اند و برخی دیگر تمام نامه را از منظر نقد رتوریک تحلیل کرده‌اند. در میان مهم‌ترین آثاری که در این زمینه به رشته تحریر در

آمده‌است، می‌توان از رساله‌های دکتری دانیل باک<sup>۱</sup>، رونالد دیویس<sup>۲</sup> و لی مکسی<sup>۳</sup>، تفسیرهای دیوید دسیلوا<sup>۴</sup> و کریگ کوستر<sup>۵</sup> و تکنگاری‌های پائولو گاروتی<sup>۶</sup>، جرج گاتریه<sup>۷</sup>، کئیچو نیسیلا<sup>۸</sup> و والتر اوبلاکر<sup>۹</sup> نام برد. دلیل اصلی توجه بیش از اندازه منتقدان رتوریک به به بخش نامه به عبرانیان ویژگی‌هایی است که بر تنظیم این نامه بر پایه قوانین خطابه باستان دلالت دارد.

این بخش از عهد جدید در واقع سخنانی است خطاب به مسیحیان یهودی‌نژادی که به سبب درک نادرست‌شان از مقام و کار عیسی مسیح در خطر بازگشت به کیش سابق خود هستند. در قاموس کتاب مقدس اثر جیمز هاکس درباره این بخش آمده‌است:

«این نامه از جمله نامه‌های کتب عهد جدید است و مقصود عمده و اهم آن این است که الوهیت و انسانیت و کفاره شدن و شفاعت نمودن مسیح را از برای مؤمنین عبرانی توضیح نموده، افضلیت آن حضرت را بر موسی و فرشتگان مدلل نماید و افضلیت مژده انجیل را بر شریعت ثابت نموده، قصد و موضوع حقیقی شرع و رسوم موسوی را واضح می‌سازد و مؤمنین عبرانی را تقویت نماید که در موقع ورود مصائب مرتد نگردند، بلکه به طوری که مسیح حقیقی را سزد رفتار نمایند. بدین لحاظ [...] بی‌نهایت گران‌بها و دارای اهمیت می‌باشد و چون ذکری از مصنف آن نشده علیهذا محل اختلاف است بعضی آن را به پولس رسول و دیگران به اپتس یا لوقا یا برنابا نسبت داده‌اند و احتمال می‌رود که در ایتالیا خارج شهر روم در حدود سال‌های ۶۵-۶۸ بعد از مسیح که هنوز هیکل خراب نشده بود نوشته شده باشد» (۵۹۶-۵۹۷: ۱۳۴۹).

این نامه که به صورت خطابه می‌نماید براساس رکن ترتیب تدوین شده‌است و این امر تأثیرپذیری این نامه را از اصول خطابه باستان محتمل می‌کند (Watson, 1997:183). یکی از اصلی‌ترین مباحث متنازعی که منتقدان رتوریک در بررسی نامه به عبرانیان به آن توجه کرده‌اند، تعیین ژانر این اثر است. همان‌طور که گفته شد، ارسطو ژانرهای خطابه را به مشاجرات، مشاورات و منافرات تقسیم می‌کند. موضوع ژانر مشاجرات تصمیم درباره عملی در

- 
1. Daniel Buck
  2. Ronald Davis
  3. Lee Maxey
  4. David DeSilva
  5. Craig Koester
  6. Paolo Garuti
  7. George Guthrie
  8. Keijo Nissilä
  9. Walter Übelacker

گذشته است، مضمون ژانر مشاورات ترغیب به کاری یا تحذیر از انجام عملی در آینده است و مفاد ژانر منافرات مضامین مدح و ذم است. باید توجه داشت که ژانر خطابه مستقیماً بر سبک سخن تأثیر می‌گذارد. در ژانر منافرات اغلب اصولی اتخاذ می‌شود که احساسات خاصی را در خوانندگان برمی‌انگیزد و بیشتر بر اقناع بلاغی تأکید و کمتر به استدلال و برهان منطقی توجه می‌شود. از طرف دیگر در ژانر مشاورات عموماً بر اعتبار خطیب، بر مثال‌ها و مقایسه آن‌ها تأکید می‌شود و خطیب طریقی بین اقناع بلاغی و اقناع منطقی در پیش می‌گیرد؛ در حالی که تأکید در ژانر مشاجرات یکسره بر قیاس، برهان و استدلال است (Watson, 1988: 19). برخی از منتقدان رتوریک، ژانر نامه به عبرانیان را ژانری مشاجراتی دانسته‌اند و برخی از مفسران این اثر را در ژانر منافرات طبقه‌بندی کرده‌اند اما برخی دیگر ژانر مشاورات را برای آن مناسب دیده‌اند (Watson, 1997: 182). متناسب با ژانری که منتقدان برای نامه به عبرانیان برگزیده‌اند، اهداف و مقاصد گوینده تغییر کرده و نتایج متفاوتی به دست آمده‌است. مسأله تعیین ژانر در نظریه خطابه از جهت‌گیری به مخاطبان و شنوندگان متفاوت سرچشمه می‌گیرد، به عقیده منتقدان رتوریک اگر مخاطبان نامه به عبرانیان، مسیحیان یهودی‌نژاد بی‌تفاوت و سست‌عنصر باشند، ژانر نامه منافراتی خواهد بود؛ زیرا در آن صورت متن به دنبال تقویت ایمان و حفظ باور آنها است و مضمون اصلی آن نکوهش است. حال اگر مخاطبان قصد خروج از دین را داشته باشند و بخواهند اصول دین مسیح را زیر پا بگذارند، آنگاه ژانر نامه مشاوراتی خواهد بود؛ زیرا گوینده بر آن است تا مخاطبان را از انجام عملی در آینده برحذر دارد. اکثر قریب به اتفاق منتقدان رتوریک، ژانر نامه به عبرانیان را منافراتی یا مشاوراتی دانسته‌اند و بر این اساس به نقد این متن اهتمام کرده‌اند و کمتر منتقدانی بوده‌اند که ژانر کتاب را مشاجراتی بدانند (v. Watson, 1997: 182-195). پائولو گاروتی از جمله منتقدانی است که ژانر نامه را مشاوراتی می‌داند. او در این باره می‌نویسد: «از منظر فن خطابه، ژانر کتاب عبرانیان مشاوراتی است: مخاطبان دعوت نشده‌اند تا درباره شخصی قضاوت کنند یا ستایشی درباره قهرمانی بشنوند یا بالعکس [...] مخاطبان باید درباره رفتارشان تصمیم بگیرند [...] فرصت پیوستن یا ادامه‌دادن زندگی در میان جامعه رستگار» (ibid: 186). لی مکسی نیز همانند گاروتی ژانر نامه را مشاوراتی می‌داند و دلایلی برای آن ذکر می‌کند:

ساختار کلی نامه به عبرانیان مشاوراتی است و این ساختار این‌گونه به وجود آمده‌است:

۱- استفاده مفرط از پند و اندرز، چه مثبت و چه منفی؛ ۲- استفاده مفرط از نمونه‌های



تاریخی؛ ۳- دعوت به تقلید از رستگاران؛ ۴- مقایسه مردم؛ ۵- تحذیر و هشدار از فراموش کاری (2002: 125).

از طرف دیگر منتقدانی چون ویکتور پفیتزner<sup>۱</sup> و دیوید آیونه ژانر نامه را منافراتی دانسته‌اند. منتقدانی نیز بوده‌اند که ژانر این اثر را توأمان منافراتی و مشاوراتی دیده‌اند و بخش‌های مختلف متن را براساس تغییر ژانر بررسی کرده‌اند. لاری تورن، توماس اولبریچت<sup>۲</sup>، ماری ایساکس<sup>۳</sup> و دیوید دسیلوا در این دسته قرار می‌گیرند. فی‌المثل تورن ساختار کلی نامه را براساس ژانر مشاورات بررسی می‌کند، در حالی که چهارچوب کار خود را بر مبنای ژانر منافرات می‌نهد (Buck, 2002: 80). دسیلوا نیز متن را نوعی خطابه مشاوراتی قلمداد می‌کند که بر خطابه منافراتی متکی است. به عقیده او در بخش‌های مختلف نامه هرکدام از این دو ژانر متناسب با مخاطبان غالب می‌شوند (Watson, 1997: 186). اولبریچت در این باره در مقاله «نامه به عبرانیان به مثابه تقویت ایمان» می‌نویسد: «نامه به عبرانیان در ساختار کلان با ژانر منافرات بهتر مطابقت دارد، هرچند ساختار استدلالی آن ممکن است مشاوراتی تلقی شود» (1993: 378). ماری ایساکس در این زمینه می‌نویسد:

«بخش‌های وعظ و اندرز این متن را می‌توان در حوزه ژانر مشاورات طبقه‌بندی کرد، زیرا این موعظه‌ها با هدف هدایت خوانندگان به انجام برخی از اعمال و پرهیز از برخی دیگر به وجود آمده‌اند. در باقی بخش‌ها این نامه با ژانر منافرات همبستگی نزدیکی دارد...» [شویه بیان به‌گونه‌ای است که می‌خواهد ایمان و اعتقاد مسیحی حاکم را تقویت کند» (2002: 16).

این محققان معتقدند که ژانرها هیچ‌گاه مستقل نیستند و اغلب با یکدیگر همکاری می‌کنند. این باور البته در تاریخ خطابه بی‌سابقه نیست. ارسطو نیز در کتاب *خطابه* به خطیب توصیه می‌کند که «اگر قصد مدح داری، بنگر که چه چیزی را پیشنهاد می‌دهی و اگر قصد پیشنهاد داری، بنگر که چه چیزی را مدح می‌کنی» (2007: 1.3.7). این سخن خود بر ترکیب دو ژانر منافرات و مشاورات دلالت دارد؛ به‌غیر از این مؤلف *خطابه برای هرنیوس*<sup>۴</sup> معتقد است که ژانر منافرات به‌ندرت به طور مستقل به کار می‌رود و اغلب با یکی از دو ژانر دیگر همراه است و یا بخش‌هایی از سخنرانی‌های شورایی و قضایی را شامل می‌شود (v. Cicero, 1954: VIII.15).

1. Victor C. Pfitzner

2. Thomas Olbricht

3. Marie Isaacs

4. *Rhetorica ad Herennium*

کوئینتیلیان نیز در *تربیت خطیب*<sup>۱</sup> ژانر منافرات را وابسته به مشاورات می‌داند، زیرا اغلب پیش از پیشنهاد کردن چیزی ابتدا آن چیز ستایش می‌شود (v. Quintilian, 1959: IV.11-16). فردریک واتسون در تأیید نظر کوئینتیلیان می‌نویسد: «کوئینتیلیان این موضوع را مشخص می‌کند که ژانرهای سه‌گانه اختیاری هستند و برای هر سه ژانر سلسله‌مراتب بسیاری وجود دارد...» هر سه ژانر خطابه به یکدیگر وابسته‌اند، هر یک اغلب از دیگری استفاده می‌کند» (1988: 16). به هر حال به نظر می‌رسد در متن نامه به عبرانیان ژانری برای تحصیل هدف ژانر دیگری به کار گرفته شده‌است، ژانر اصلی، ژانر منافرات است که اهداف ژانر مشاورات را محقق می‌سازد. گروهی از محققان نیز بوده‌اند که در کل، تعیین ژانر را در مطالعات رتوریک بی‌فایده دانسته و به جای آن بر اهداف متن تأکید کرده‌اند؛ فی‌المثل کندی تعیین ژانر را در ارزیابی شیوه‌های اقناع مخاطب چندان مهم نمی‌داند، بلکه به جای ژانر بر علت پدید آمدن متن و دلایل نگارش آن، حالت و مشرب مخاطبان، عقاید نویسنده و ارزش‌های اجتماعی تأکید می‌کند (33: 1984). از این منظر اهداف اثر مکتوب از ژانر آن مهم‌تر است، زیرا ژانر از نظر کندی برجسی است که هیچ کمکی به مطالعه انتقادی متن نمی‌کند؛ در حالی که بررسی اهداف متن، مقاصد منتقدان رتوریک را بهتر برآورده می‌سازد. به زعم کندی به کار گرفتن یک اصطلاح ضرورتاً منتقد را از نیت مؤلف آگاه نمی‌سازد.

در نهایت می‌توان گفت که اگرچه نامه به عبرانیان بسیاری از خصوصیات تجویزی درس‌نامه‌های خطابه باستان را دارد، اما در چهارچوب یکی از ژانرهای خطابه نمی‌گنجد. آنچه در بررسی این متن همواره در میان منتقدان محل نزاع بوده‌است این احتمال را باقی می‌گذارد که متن تحت تأثیر الگوهای رتوریک دیگری از جمله الگوهای سامی یا عبرانی به رشته تحریر درآمده باشد. فردریک واتسون از جمله محققانی است که در مقاله «نقد رتوریک نامه به عبرانیان و رسائل حواریون کاتولیک از ۱۹۷۸ تا کنون»، به ضعف تکیه بر نظریه خطابه در مطالعات نقد رتوریک و عدم انطباق اصول خطابه باستان در برخی از تحلیل‌ها اشاره می‌کند. احتمال تأثیرپذیرفتن نگارندگان کتاب مقدس از نظریه‌های رتوریک دیگر اقوام متمدن باعث شد تا منتقدان رتوریک کتاب مقدس به تدریج از روش‌های انتقادی مبتنی بر خطابه باستان فاصله بگیرند و برای نقد و بررسی کتاب مقدس به روش‌های جدیدی روی بیاورند.

---

1. *Institutio Oratoria*

### نتیجه‌گیری

در نقد رتوریک کتاب مقدس رویکردهای متفاوتی وجود دارد. در یک نگاه وسیع می‌توان گفت که ابتدا منتقدان بر پایه سبک‌شناسی به تحلیل رتوریک کتاب مقدس پرداختند و بیشتر ارزیابی و طبقه‌بندی صناعات بلاغی را مد نظر داشتند. سپس روش‌های دیگری بر مبنای نظریه خطابه باستان پدید آمدند. این روش‌ها در حقیقت بر پایه این فرض در مطالعات نقد رتوریک کتاب مقدس پدید آمدند که اصول نامه‌نگاری در دوران باستان تحت تأثیر قوانین خطابه بوده‌است. از آنجا که منتقدان در به‌کارگیری این روش‌ها با دشواری‌هایی مواجه شدند و این روش‌ها محدودیت‌هایی را بر تحلیل رتوریک تحمیل کردند، روش‌های دیگری برای نقد رتوریک پیشنهاد شد که از آن میان می‌توان به روش ورنن رابینز اشاره کرد. در این مقاله ما صرفاً به برخی از دشواری‌هایی اشاره کردیم که در مطالعات نامه به عبرانیان براساس روش‌های مبتنی بر خطابه باستان پدید آمده‌است. همچنین در این مقاله به بررسی اختلاف نظرهای محققان درباره تأثیر نظریه خطابه بر نظریه نامه‌نگاری پرداختیم. گروهی از محققان باور دارند که اصول نامه‌نگاری در دوران باستان تحت تأثیر قوانین خطابه باستان بوده‌است، به همین دلیل نقد رتوریک مناسب‌ترین شیوه برای ارزیابی نامه‌های کتاب مقدس است. دسته دیگری از محققان هر گونه رابطه میان خطابه و نامه‌نگاری را در دوران باستان نفی می‌کنند و معتقدند نظریه خطابه و نظریه نامه‌نگاری هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند. گروه سومی از محققان نیز هستند که نظریه نامه‌نگاری و نظریه خطابه را توأمان در تفسیرهای خود معتبر می‌دانند.

### پی‌نوشت

۱- ارسطو درباره زمان خطابه‌های منافراتی می‌نویسد: «اگرچه چنین چیزی متداول نیست، اما خطیبان در خطابه‌های منافراتی می‌توانند از خطابه برای یاد کردن گذشته با نقل حکایت‌های آن و برای آینده با پیش‌بینی آن استفاده کنند» (2007: 1.3.4).

### منابع

- هاکس، ج. ۱۳۴۹. قاموس کتاب مقدس، تهران: کتابخانه طهوری.
- Aristotle. 2007. *On Rhetoric: A Theory of Civic Discourse*, Trans. G.A. Kennedy. New York: Oxford UP.
- Aune, D.E. 1987. *The New Testament in Its Literary Environment*, Louisville, Kentucky: Westminster John Knox Press.

- Buck, D.E. 2002. *The Rhetorical Arrangement and Function of OT Citations in the Book of Hebrews: Uncovering Their Role in the Paraenetic Discourse of Access*, Ph.D. diss. Dallas Theological Seminary.
- Cicero, M.T. 1954. *Rhetorica ad Herennium*, Trans H. Caplan. Cambridge: Harvard University Press.
- Conley, T. 1991. *Rhetoric in the European Tradition*. Chicago and London: University of Chicago Press.
- Cornelius, E. M. 2000. "Rhetorical Criticism and the Hermeneutics of the New Testament". in *die Skriflig*, 34(2): 253-274.
- Croft, A. J. 1965. "The Functions of Rhetorical Criticism". in Schwartz, J. & Rycenga, J.A. (eds.). *The Province of Rhetoric*. New York: Ronald Press Company. p: 403-414.
- Hughes, F. W. 2000. "The Rhetoric of Letters" in K. P. Donfried and J. Beutler. (eds.). *The Thessalonians Debate: Methodological Discord or Methodological Synthesis?*. Grand Rapids: Eerdmans. 194-240.
- Isaacs, M. E. 2002. *Reading Hebrews and James: A Literary and Theological Commentary*, Macon: Smyth & Helwys.
- Kennedy, G. A. 1984. *New Testament Interpretation through Rhetorical Criticism*, Chapel Hill: University of North Carolina Press.
- Kuntz, J. K. 1982. "The Contribution of Rhetorical Criticism to the Understanding of Isaiah 51:1-16." in David J. A. Clines and Philip R. Davies (eds.). *Art and Meaning: Rhetoric in Biblical Literature: Journal for the Study of the Old Testament Supplement Series*, (19): 140-71. Sheffield: Sheffield Academic Press.
- Maxey, L. Z. 2002. *The Rhetoric of Response: A Classical Rhetorical Reading of Hebrews 10:32-12:13*, Ph.D. diss. Claremont Graduate University.
- Murphy, J. J. 1974. *Rhetoric in the Middle Ages: A history of Rhetorical Theory from Saint Augustine to the Renaissance*, London: University of California Press.
- Porter, S. E. 1993. "The Theoretical Justification for Application of Rhetorical Categories to Pauline Epistolary Literature." in S. E. Porter and T. H. Olbricht (eds.). *Rhetoric and the New Testament: Essays from the 1992 Heidelberg Conference*, Sheffield: Sheffield Academic Press. 100-122.
- Olbricht, T. H. 1993. "Hebrews as Amplification. in S. E. Porter and T. H. Olbricht (eds.). *Rhetoric and the New Testament: Essays from the 1992 Heidelberg Conference*, Sheffield: Sheffield Academic Press. 3-15.
- Quintilian, M.F. 1959. *Institutio Oratoria*, Trans. H. E. Butler. Leob Cambridge: Harvard University Press.
- Stowers, S.K. 1986. *Letter writing in Greco-Roman Antiquity*. Philadelphia: Westminster.

- Thuren, L. 1990. *The Rhetorical Strategy of 1 Peter: With Special Regard to Ambiguous Expressions*. Abo: Abo Academy Press.
- Vickers, B. 1988. *In Defence of Rhetoric*, London: Oxford University Press.
- Vorster, J. N. 1991. *The Rhetorical Situation of the Letter to the Romans: An Interactional Approach*. Ph.D. diss. University of Pretoria.
- Walker-Jones, W. 2003. *Hebrew for Biblical Interpretation*, Atlanta: Society of Biblical Literature.
- Watson, D. F. and Hauser, A. J. 1994. *Rhetorical Criticism of the Bible: A Comprehensive Bibliography with Notes on History and Method*, Biblical interpretation Series 4. Leiden: Brill.
- Watson, D.F. 1988. "A Rhetorical Analysis of Philippians and Its Implications for the Unity Question." *Novum Testamentum* 30: 57-88.
- \_\_\_\_\_. 1997. "Rhetorical Criticism of Hebrews and the Catholic Epistles since 1978." *Currents in Research: Biblical Studies* 5: 175-207.
- White, J. L. 1972. *The Form and Function of the Body of the Greek Letter: A Study of the Letter-body in the Non-literary Papyri and in Paul the Apostle*, Montana: Scholars Press.
- Wuellner, W. 1987. "Where is Rhetorical Criticism Taking Us?" *Catholic Bible Quarterly* 49: 448-463.